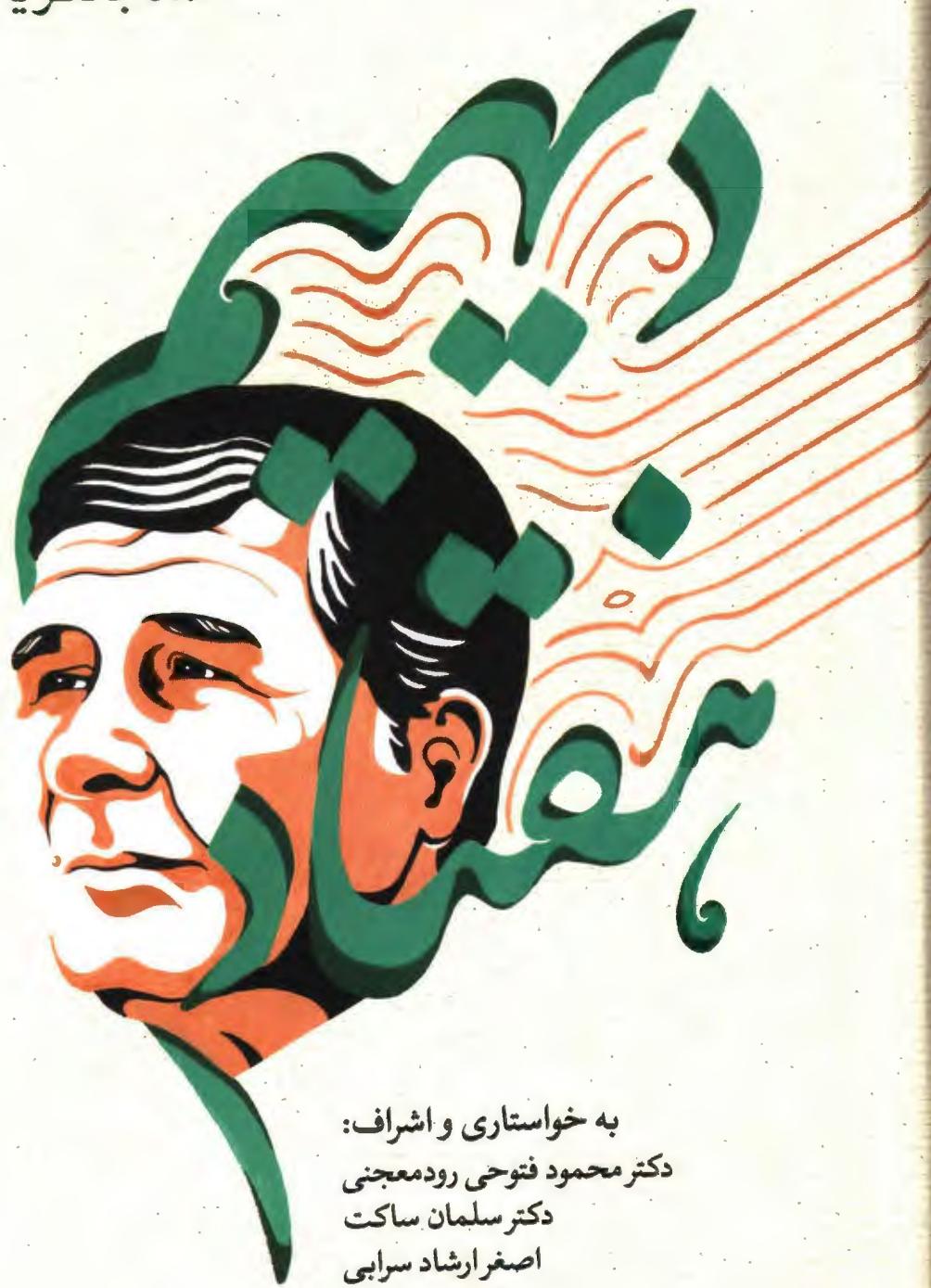


مهرنامه استاد دکتر  
محمد جعفری احقر



به خواستاری و اشراف:

دکتر محمود فتوحی رودمعجنی

دکتر سلمان ساکت

اصغر ارشاد سرابی

---

◆

## دیهیم هفتاد

مهرنامه دکتر محمد جعفر یاحقی

---

◆

◆

## به خواستاری و اشراف

محمود فتوحی، سلمان ساکت و اصغر ارشادسرابی

---

◆





انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،

خیابان وحدت نظری، شماره ۴۸

فکس: ۰۵۰۶۲۰۶۶۴

[www.sokhanpub.com](http://www.sokhanpub.com)

E-mail: [sokhanpub@yahoo.com](mailto:sokhanpub@yahoo.com)

[Instagram.com/sokhanpublication](https://Instagram.com/sokhanpublication)

[Telegram.me/sokhanpub](https://Telegram.me/sokhanpub)



### دیبهیم هفتاد

مهرنامه دکتر محمد جعفر یاحقی

### به خواستاری و اشراف

محمود فتوحی، سلمان ساکت و اصغر ارشاد سرابی

چاپ اول: بهار ۱۳۹۷

تیراز: ۱۱۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: آزاده



تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستانها ۰۴۰۸۳۸۵۰۵۶

بیشترین سایت / فروش آنلاین ۰۹۹۵۲۹۹۶

## فهرست مطالب

۱۳.....	نیم قرن با زبان فارسی و فردوسی
۱۷.....	سال شمار زندگی و کتاب‌شناسی استاد محمد جعفر یاحقی

### حmasه و شاهنامه

۳۵.....	مقایسه خانهای پهلوانان <sup>*</sup> با اشاره به رستم، اسفندیار، گرشاسب و هرکول / دکتر ژاله آموزگار
۴۵.....	درباره نام مشوق اسدی در نظام گرشناسپنامه / دکتر محمود امیدسالار
۵۳.....	نگاهی تازه به برخی بیت‌های داستان رستم و سهراب / دکتر ابوالفضل خطیبی
۶۵.....	تینین <sup>**</sup> و «ابر» درباره یک باور عامیانه کهن در شاهنامه / دکتر سجاد آیدنلو
۷۷.....	مأوای سیمرغ؟ / مهدی سیدی فرخ
۹۱.....	افسانه‌های بهلوانی خاندان رستم در ادب عامه / دکتر حسن ذوالفقاری
۱۱۹.....	روایتی کهن از داستان سهراب و گردآفرید / دکتر مریف مشرف
۱۲۵.....	رستم و نیزه‌دارانش / دکتر آرش اکبری مفاخر
۱۴۳.....	رستم؛ معتمایی پیچیده رویکردی در شناخت شخصیت‌های شاهنامه فردوسی / دکتر محمود حسن‌آبادی
۱۶۷.....	شعر و شمشیر <sup>*</sup> بررسی افزار نگاشته‌های محفوظ در چند موزه ایران و جهان / دکتر فاطمه ماهوان
۱۸۷.....	اهمیت تاریخ‌نگاری پادشاهی انشیروان در شاهنامه و غررالسیر / فرزین غفوری

### شعر کلاسیک

۲۱۵.....	سوژنی سمرقنندی و هجو نظامی / دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی
۲۲۱.....	خواهر - خواهر / دکتر علی اشرف صادقی
۲۲۵.....	یادداشت‌هایی بر دیوان حافظ / دکتر غلامعلی حداد عادل
۲۴۱.....	دوگانه بлагت و حکمت در سعدی و منتی / موسی اسوار
۲۵۱.....	آیینه غیب نگاهی کوتاه و گذرا به نظامی و شعر او / دکتر علی موسوی گرمارودی
۲۶۱.....	زادگان خاقانی تحقیقی درباره فرزندان خاقانی شروانی / دکتر محمدرضا ترکی
۲۷۳.....	اشعار نویافتۀ ادیب نیشابوری / دکتر یدالله جلالی پندری
۲۸۵.....	درنگی بر یک رباعی سرگردان / محمدمصادر خاتمی
۲۹۳.....	سابقه برخی مضمین دیوان خاقانی در ادبیات عرب بر پایه کتاب ثمار القلوب ... / سعید مهدوی فر
۳۱۷.....	ابومنصور ثعالبی و کتاب مکارم الاخلاق بیوندیافته به او / بلال عرفانی، رمزی علیکی، محمدمحسن ساکت

### نثر فارسی

۳۳۷	بیهقی در دیباخ خسروانی دارالسلطنه تبریز / دکتر مددخت پور خالقی چترودی
۳۶۹	بررسی مأخذ غزالی در کیمیای سعادت / دکتر سلمان ساكت
۳۸۳	بازتاب سنت‌های اندرزی ایران باستان در کتاب تاریخ بیهقی (داستان قاضی بست) / فاطمه جهان‌پور
۳۹۵	دو نکته درباره ابوسهل زوزنی / دکتر اکبر نحوی

### زبان و دستور

۴۰۱	ادبیات مانوی: فارسی میانه، پارتی و سعدی / دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور مطلق
۴۰۹	آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در ... / دکتر محمد دیبرمقدم، مهرداد اصغریور ماسوله، مهری قره‌گزی
۴۴۵	فصلی مشترک در فرهنگ خواص و عوام در ... / دکتر محمد‌مهدی ناصح
۴۶۱	پیشینه تاریخی کاربرد زبان فارسی در مکاتبات بین‌المللی / دکتر میرزا حسن سلطان
۴۶۷	گروههای بدل دار و پردازشگری آنها در ... / دکتر محمدرضا صرفی، دکتر احمد رستمی‌زاده
۴۸۷	معنی فراموش شده مصدر مرکب «اجمن شدن» در شاهنامه فردوسی / دکتر چنگیز مولایی
۴۹۱	آنگ؟ در «آنگدان»، «آنگزد» و «آنگبین» آن؟ در «آنبار»، «آتبان»، «آبیر» و «آبیو» / محمدحسن ابریشمی
۵۰۵	لسان‌العرب ابن منظور و توضیح نکته‌ای زبان‌شناختی و تاریخی / دکتر شهباز محسنی

### نقد ادبی

۵۱۱	تأملی در هشت‌کتاب سهراپ سپهری / دکتر محمدرضا راشد‌محصل
۵۲۳	غلام آن کلماتم که آتش انگیزد / دکتر کاووس حسن‌لی
۵۳۱	نقد ادبی و سیطره رویکردهای ساختاری / دکتر مریم صالحی‌نا
۵۳۷	جنسیت و مایگان؛ داستان گنیور / دکتر سمیرا بامشکی
۵۶۱	تحلیل شخصیت استاد یاحقی بر اساس کتاب‌های خاطراتش / فاطمه محمدزاده
۵۷۳	دانشکده ادبیات و ارث زیبایی‌شناسی بازگشت قاجاری / دکتر محمود فتوحی رودمعجنی
۵۹۵	آموختن از آن سالها / مهدی جامی

### درباره استاد

۶۱۹	حق آن «ده سال»ها / دکتر محمد جاوید صباحیان
۶۲۱	از استاد یاحقی تا محمد جعفر / دکتر سید مهدی زرقانی
۶۲۷	گشتوگذارهای دانشگاهی / دکتر دانیلا مینگینی
۶۳۱	تیر به آماج نشسته / مجید زهتاب
۶۳۵	با نگاه دوستی / دکتر میرزا ملا احمد
۶۳۹	دیدار با اهل فضل و ادب / زنده‌یاد دکتر خدایی شریف‌زاده
۶۵۱	گنجهای گران‌قدر خراسان / شهرزاده سمرقندي (نظرها)
۶۵۵	سایه‌سازی از کویر / عباس جلالی

۶۶۳.....	سال تو هفتاد و خیالت نو است / نگار یاحقی
۶۶۷.....	از نگاه برادر / محمدباقر یاحقی
۶۷۳.....	چند خاطره ... / دکتر علی اصغر باباصفری
۶۷۵.....	از کابل تا مشهد با نام استاد / دکتر خلیل الله افضلی
۶۷۹.....	استاد؛ تنقیضی شیرین / دکتر لیلا حق برست
۶۸۱.....	چشمۀ تو فضل جوشان است ... / غلامرضا زرین چیان
۶۸۵.....	حضرت پدر / دکتر نفمه دادر
۶۹۳.....	بمان ای یادگار روزهای روشنم کز دست رفتندم! / اصغر ارشادسرایی
۷۱۷.....	یاد استاد و تصحیح تاریخ بیهقی / دکتر سروسا رفیعزاده

مقاله خارجی

۷۲۳.....	پیور/ندخت نامه CLAUS VALLING PEDERSEN / , BY EBRÂHIM PURDÂVUD THE FOREWORD TO عکس‌ها و چهره‌ها
----------	--

## نیم قرن با زبان فارسی و فردوسی

دکتر محمد جعفر یاحقی نامی آشنای است برای مردمی که به زبان فارسی و ادبیات و فرهنگ ایرانشهری عشق می‌ورزند. او از انجشت‌شمار دانشگاهیانی شناخته می‌شود که پایگاه اجتماعی و فرهنگی ویژه‌ای در میان فرهنگ‌دوستان بیرون از دانشگاه دارد. در زبان فارسی اندک‌اند محققان و دانشگاهیانی که هم کار علمی کنند و هم در بیرون دانشگاه دارای پایگاه اجتماعی ممتاز باشند.

بسیاری از محققان و اندیشمندان ما در سلوک اجتماعی خود قائل به گونه‌ای تنزه‌طلبی هستند و از میانه اجتماع بر کناره می‌روند، آنان برای مُنَزَّه مانند، پای از قلمرو تخصصی خود برون نمی‌نهند و به حوزه‌های عمومی فرهنگ و لایه‌های میانی اجتماع نزدیک نمی‌شوند. این بزرگان اگرچه در میان متخصصان نام برآورده‌اند، اما سرمایه اجتماعی اندکی دارند. از آن سوی دوستداران فرهنگ و ادب نیز با دانشگاهیان احساس فاصله‌می‌کنند و زبان یکدیگر را در نمی‌یابند. دانش آکادمیک در ادبیات و فرهنگ با دانش عمومی در این زمینه، چونان دو خط موازی اند که با هم می‌روند و به هم نمی‌رسند. گوئی در ایران دانایی و تحقیق به شکل ناوشته‌ای با مردم گریزی همزاد است. استاد یاحقی در میانه این دو خط موازی می‌رود؛ هم با دانشگاهیان نخبه‌گرا همراه است و هم با فرهنگ‌دوستان و کتابخوانان متن جامعه، او سوارکار این میدان اجتماعی است.

یاحقی در نیم قرن کار دانشگاهی خویش با مهارتی که خاص‌اوست، توانسته میان این دو طیف حرکت کند؛ هم در تحقیق دانشگاهی موفق و مؤثر باشد و هم در پیوند با لایه‌های اجتماع برون‌دانشگاهی به یک سرمایه اجتماعی بزرگ بدل شود. او به خوبی می‌داند که چگونه با گروههای مختلف اجتماعی و فرهنگی و سازمان‌ها و مؤسسات دولت‌های متفاوت همکار شود و نقش مؤثری در ترویج و تحکیم زبان فارسی و ادبیات ایران ایفا کند.

اگر آشنای دکتر یاحقی باشد و به اطراف و اکناف جهان سفر کنید، بعید است که به برکت آشنایی با دکتر یاحقی عزت نبینید و از جانب کسانی که خود را مدیون استاد می‌دانند، نواختها و لطفهای خالصانه نیابید. از لندن و پاریس و نیز و رم گرفته تا داکای بنگلادش و دهلی و توکیو؛ از دوشهبه و خجند تا تورنتوی کانادا تا ملبورن و کمبریج استرالیا. در شگفت خواهید شد از قدرت جادویی این مرد در ارتباطات و از هوش سرشار وی در مهوروی با مردمانی از هر دست، از روستایی تا دانشمند. آن‌ها همه خود را وامدار این مرد می‌دانند و

اگر خدمتی با ما همشهربیان یا حقیقی می‌کنند به قصد گزاردن وام مهر و محبت اوست. در سازمان‌های دولتی و فرهنگی و اجتماعی کشور نیز قصه بر همین مدار است.

خانه‌اش خانقاہ شاهنامه‌خوانان و پارسی‌دوسستان است و در آن سرای به روی همه باز است و هر کس را در آن منزل، نزل و منزلتی در خور همیشه آمده است. رفتار پدرانه‌اش با دانشجویان ایرانی و خارجی زبانزد همگان است، چنان‌که وصف دقیقش را در خاطرات دانشجویان در همین کتاب می‌خوانید. یا حقیقی واسطه‌القد بسیاری از دوستی‌ها و آشنایی‌های است و گره‌گشای کارهای فروپسته دانشجویان و دوستداران زبان و فرهنگ فارسی. او در خلال این مهوروزی‌ها، کارنامه علمی موفق و ممتازی ساخته که آکنده از معتبرترین نشان‌ها و جوازات علمی کشور است.

جامعه علمی و فرهنگی و حتی روش‌فکری ایرانی باید از برکت سرمایه‌هایی از این دست بیشتر و بهتر برخوردار شود. شکاف اجتماعی میان نخبگان دانشگاهی و مردم بیرون دانشگاه با چنین الگوهایی کمتر می‌شود. سلوک میان‌دارانه یا حقیقی را احتمالاً بسیاری از نخبه‌گرایان دانشگاهی نمی‌پسندند، با این تعبیر که «با همه نباید کار کرد.» اما قرایین نشان از آن دارد که استاد ما کار خویش می‌کند و بر مرام خویش می‌رود؛ مرام او زبان فارسی است و مسئله‌اش فردوسی. می‌کوشد با همه بجوشد و هر که را بتواند با خویش همراه کند. او با هر که کار کند، برای زبان فارسی و فردوسی کار می‌کند، خواه جوان نوقلم شاهنامه‌خوان باشد، خواه نقال شاهنامه یا شاهنامه‌خوان لر یا فارسی‌پژوه بُلغار؛ جوان تاجیک باشد یا هندوی پارسی‌گوی، مسلمان باشد یا مسیحی یا هندو. با وی در مسیر پارسی و فردوسی و ادب و فرهنگ ایران همکار می‌شود. راز توفیق او در همین همدلی و همچوشتی است.

و عشق است که بنیادِ همه این همچوشتی‌هاست. در زندگی او یک نقطه مرکزی وجود دارد که چونان مغناطیس همه را به‌سوی خویش می‌کشد و آن عشق به ایرانشهر فرهنگی و زبان پارسی است. او در میدان مرکزی این شهر ایستاده و با عاشقان این معشوق در چهارگوشۀ جهان همراه می‌شود. با هر که دلی در بی این محظوظ دارد، پیوند مهر و دوستی می‌بندد، مهر می‌دهد و مهر می‌ستاند. خط و مرزهای سیاسی و مراسی و زبانی را در می‌نوردد تا کل زبان فارسی و فردوسی را پیش برد.

پنجاه سال پویش و پژوهش در فراز و نشیب‌های سیاسی و فرهنگی و در میانه مرام و مسلک‌های متعارض، حکایت از سلوکی طریفانه در تعاملات اجتماعی دارد. فعالیت‌های فرهنگی و فکری در تلاطم عقاید و سلایق متلون و متشدد چندان آسان نیست. آن‌همه علائق و سلایق آمده‌اند و به کناری رفته‌اند و استاد بر همان مهر و نشان نخستین رفته و می‌رود. با همه همراه شده، اما راه خویش رفته و پی مقصود خویش گرفته است. امروز که او «دیهیم هفتاد» بر سر دارد، گردکرده عمر خویش را که نشان فارسی و فردوسی دارد، نثار ایران

می‌کند و به آن می‌بالد. فروغ درخشنان این نشان را به اقصای عالم برد و پیوندهای وثیقی میان عاشقان زبان فارسی و فردوسی برقرار ساخته است.

اندوختن سرمایه اجتماعی به شیوهٔ یاحقی باید الگویی باشد برای نسل‌های جوان‌تر دانشگاهی ما تا بتواند انقطع اجتماع دانشگاهی از متن جامعه را بگاهند و ارزش‌های ادبیات و تاریخ و زبان ایرانشهری را هم اعتبار بخشنند و هم در متن جامعه نشر و پخش نمایند. دکتر یاحقی الگویی ویژه برای جامعه دانشگاهی و برای جوانان آینده است که آرام و هوشمندانه با مدارا و مدیریت نه با های‌وهوی سیاسی، اندیشه دانشگاهی خود را در عرصهٔ فکر و فرهنگ پیش می‌برد.

از دوستداران و شاگردان استاد یاحقی که دعوت ما را برای تدوین این مهرنامه پذیرفتند و سخاوتمندانه بهری از نوشه‌های خویش را در اختیار ما گذاشتند تا به این کتاب اعتبار بخشنند، صمیمانه سپاسگزاریم. همچنین از کسانی که صمیمانه مقاله و یادداشتی تقدیم کردند اما به دلایل مختلف، فرصت و امکان انتشار آن‌ها در این مجموعه فراهم نیامد، پوزش می‌طلبیم. اکنون با سرفرازی این مجموعه را با الهام از زبان فردوسی دیهیم هفتاد نامیده و در آستانه هفتادسالگی استاد ارجمند به ایشان پیشکش می‌کنیم و می‌گوییم:

چو دیهیم هفتاد بر سر نهی  
همه گرد کرده به/یران دهی

محمود فتوحی رودمعجنی

سلمان ساکت

اصغر ارشاد سرانی

سال‌شمار زندگی و کتاب‌شناسی  
استاد محمد جعفر یاحقی

## سال‌شمار زندگی و کتاب‌شناسی

۱۸ خرداد، تولد در فردوس	۱۳۲۶
مهاجرت به مشهد به‌قصد ادامه تحصیل	۱۳۴۵
پایان دوره متوسطه در رشته ادبی با رتبه اول	۱۳۴۶
پذیرفته شدن در آزمون ورودی رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مشهد با رتبه اول	-
آغاز همکاری با دکتر احمدعلی رجائی بخارائی در تدوین فرهنگنامه قرآنی در آستان قدس	۱۳۴۸
رضوی	-
پایان دوره لیسانس زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مشهد	۱۳۵۰
پذیرفته شدن در آزمون ورودی فوق‌لیسانس زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مشهد با رتبه اول	-
پایان دروس دوره فوق‌لیسانس زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مشهد	۱۳۵۲
آغاز دوره خدمت وظیفه بهصورت طرح	-
دفاع از پایان‌نامه دوره فوق‌لیسانس زبان و ادبیات فارسی با درجه ممتاز	۱۳۵۴
استخدام به عنوان مریّی در بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد به پیشنهاد دکتر	-
غلامحسین یوسفی	-
پذیرفته شدن در دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران با رتبه اول	-
ازدواج با خدیجه بوزرجمهری، عضو هیئت علمی گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد	۱۳۵۶
نخستین سفر گردشی به اروپا (فرانسه، بلژیک، آلمان) و بازگشت از طریق زمینی	-
تولد نخستین فرزند به نام نیلوفر در سوم شهریور	۱۳۵۷
دفاع از پایان‌نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران با درجه ممتاز	۱۳۵۹
تولد دومین فرزند به نام فرید در چهارم خرداد	۱۳۶۲
ارتقا به مرتبه استادیاری زبان و ادبیات فارسی	-
بنیان‌گذاری و مدیریت گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی که تا	۱۳۶۳
سال ۱۳۷۶ ادامه داشت.	-

۱۳۶۴	عزیمت به انگلستان برای استفاده از فرصت مطالعاتی در دانشگاه کمبریج به مدت یک سال
۱۳۶۵	عزیمت به چین برای آشنایی با بخش ایران‌شناسی دانشگاه پکن به مدت سه هفته
۱۳۶۷	عزیمت به آکسفورد (انگلستان) برای استفاده از کتابخانه بدلیان به مدت یک ماه
۱۳۶۷	ارتقا به مرتبه دانشیاری زبان و ادبیات فارسی
-	تولد سومین فرزند نگار در هجدهم فروردین
۱۳۶۹	شرکت در کنگره بین‌المللی مطالعات آسیایی و آفریقائی (icanas) در دانشگاه تورنتو (کانادا)
-	عزیمت به ژاپن به دعوت دانشگاه مطالعات خارجی توکیو برای تدریس زبان و ادبیات فارسی به مدت یک سال
۱۳۷۰	از دستدادن دختر ۱۳ ساله، نیلوفر در سانحه اتومبیل
۱۳۷۲	ارتقا به مرتبه استادی زبان و ادبیات فارسی
۱۳۷۴	تولد چهارمین فرزند نگین، در پنجم فروردین
۱۳۷۵	تأسیس مرکز خراسان‌شناسی و انتساب وی به عنوان مدیرعامل این مؤسسه که تا سال ۱۳۷۸ ادامه داشت.
-	انتخاب کتاب فرهنگنامه قرآنی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی و دریافت جایزه و لوح تقدیر از دست رئیس جمهور
۱۳۷۶	انتخاب کتاب تصحیح تفسیر ابوالفتوح وی به عنوان اثر برتر نمایشگاه علوم قرآنی و دریافت جایزه سفر حج و لوح تقدیر از دست رئیس جمهور
۱۳۷۸	انتخاب وی به عنوان استاد نمونه دانشگاه‌های کشور
-	عزیمت به انگلستان به دعوت مدرسه مطالعات آسیایی و آفریقائی دانشگاه لندن (SOAS) به مدت سه سال برای تدریس زبان و ادبیات فارسی
۱۳۸۱	تصدی مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی به مدت دو سال
-	تصدی مدیریت قطب علمی فردوسی و شاهنامه تاکنون
۱۳۸۳	تأسیس مؤسسه فرهنگی فرهنگسرای فردوسی مردم‌نهاد (NGO)
۱۳۸۴	ثبت رسمی فرهنگسرای فردوسی و انتخاب وی به عنوان مدیر عامل فرهنگسرای تاکنون
۱۳۸۸	انتخاب وی به عنوان عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی با ابلاغ رئیس جمهور
۱۳۸۹	سفر یکماهه به ایالات متحده آمریکا به دعوت دانشگاه کالیفرنیا و شرکت در چند کنفرانس انتخاب وی به عضویت آکادمی علوم، فرهنگ و هنر جمهوری تاجیکستان
-	انتخاب وی به عنوان استاد برجسته دانشگاه در حوزه علوم انسانی از سوی بنیاد دانشگاهی فردوسی

انتخاب وی به عنوان عضو هیئت‌امنای بنیاد سعدی	۱۳۹۰
سفر یک‌ماهه به اروپا برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی شاهنامه: هزاره دوم	-
انتخاب وی به عنوان «استاد برجسته» مشمول حمایت‌های ویژه جایزه علامه طباطبائی بنیاد ملی نخبگان	۱۳۹۱
انتخاب وی به عنوان عضو شورای بنیاد سعدی	۱۳۹۲
عزیمت به اروپا برای شرکت در دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی راهکارهای جدید در علوم انسانی در دانشگاه مادرید؛ سفر علمی به بارسلون، پاریس و لیدن و بازدید از مراکز علمی و ایران‌شناسی	۱۳۹۳
عزیمت به کانادا به دعوت فرهنگ‌سرای فردوسی و نکوور و دانشگاه بریتیش کلمبیا برای ایراد سخنرانی	۱۳۹۴
انتخاب وی به عنوان استاد برجسته و تأثیرگذار دانشگاه فردوسی	-
عزیمت به پاریس برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی هزارویک شب و ارائه مقاله «تحقيق در اشعار فارسی هزارویک شب» در دانشگاه سورین	-
انتخاب وی به عنوان پیشکسوت اهل قلم در همایش تجلیل از یکصد و دوه پیشکسوت اهل قلم	۱۳۹۶
عزیمت به ازبکستان (سمرقد و بخارا) به دعوت سازمان ملی یونسکو، برای شرکت در دو همایش انتخاب وی به عنوان دانشمند برگزیده کشور و دریافت لوح تقدیر و جایزه از بنیاد فرهنگی البرز.	-
ایشان بلافاصله ۲۰ سکه جایزه خود را به دو دانشجوی کرد زلزله‌زده از استان کرمانشاه اهدا کرد.	-

### كتاب‌شناسي استاد محمد جعفر ياحقى

الف) كتاب‌ها (۵۵ مورد)	-
گزاره‌اي از بخشی از قرآن کريم، تفسیر شنقاشی، تهران: بنیاد فرهنگ ايران. (تصحیح)	۱۳۵۵
تاریخ سیسیل در دوره اسلامی، عزیز احمد (با همکاری نقی لطفی)، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی. (ترجمه)	۱۳۶۲
ترجمه قرآن (نسخه موتوخ ۵۵ هجری)، تهران: مؤسسه فرهنگی شهید محمد رواقی.	۱۳۶۴
اقلیم‌های دیگر، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه مشهد. (تألیف)	۱۳۶۳
راهنمای نگارش و ویرایش (با همکاری دکتر محمد مهدی ناصح)، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس. (چاپ سی و یکم؛ ۱۳۹۵) (تألیف)	-
روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، معروف به تفسیر ابوالفتوح رازی، تألیف حسین بن علی بن محمد بن احمد الخزاعی النیشابوری (با همکاری دکتر محمد مهدی ناصح)، ۲۰ جلد.	۱۳۶۵ - ۱۳۷۵

- مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس. (چاپ سوم: ۱۳۸۸) (تصحیح) (کتاب برگزیده ششمین نمایشگاه علوم قرآنی: ۱۳۷۶). کتاب سال جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۲.
- ۱۳۶۶ نهایه المسئول فی روایة الرسول، تصنیف سعیدالدین محمد بن مسعود کازرونی، ترجمه و انشای عبدالسلام بن علی بن الحسین الابرقوهی، جلد اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. (مقدمه و تصحیح)
- ۱۳۶۷ تاریخ تفکر اسلامی در هند، عزیز احمد (با همکاری نقی لطفی)، تهران: انتشارات کیهان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. (ترجمه)
- ۱۳۶۸ سوگنامه سه راب، تهران: انتشارات توسعه. (انتخاب، مقدمه و توضیح)
- سرو و تدریو، نثاری تونی، تهران: انتشارات سروش. (مقدمه، تصحیح و توضیح)
- ۱۳۶۹ فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، سروش. (چاپ دوم: ۱۳۷۵) (تألیف)
- بهین‌نامه باستان: خلاصه شاهنامه فردوسی، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس. (چاپ هفتمن: ۱۳۸۹) (گزینش و توضیح)
- ۱۳۷۰ جزیره‌بی آفتاب: گزارش سفر یک‌ساله به انگلستان و اروپایی عربی، مشهد. (تألیف)
- تاریخ ادبیات ایران، سال اول متوسطه عمومی، تهران: وزارت آموزش و پرورش. (تألیف) (هنوز هم هر سال چاپ می‌شود).
- ۱۳۷۱ تاریخ ادبیات ایران، سال دوم متوسطه، تهران: وزارت آموزش و پرورش. (تألیف) (هنوز هم هر سال چاپ می‌شود).
- تاریخ ادبیات ایران، سال سوم متوسطه، تهران: وزارت آموزش و پرورش. (تألیف) (هنوز هم هر سال چاپ می‌شود).
- آن سال‌ها: یادهای کودکی و نوجوانی، مشهد: انتشارات آستان قدس. (تألیف)
- ۱۳۷۲ تاریخ ادبیات ایران، سال چهارم متوسطه، تهران: وزارت آموزش و پرورش. (تألیف)
- ۱۳۷۲-۷۶ فرهنگنامه قرآنی (۵ جلد)، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس. (چاپ سوم: ۱۳۸۸) (کتاب سال جمهوری اسلامی ایران: ۱۳۷۵)
- ۱۳۷۳ دیلای خسروانی: کوتاه‌شده تاریخ بیهقی (با همکاری مهدی سیدی)، تهران: انتشارات جامی. (چاپ دوازدهم: ۱۳۹۵). (گزینش و توضیح)
- ۱۳۷۴ فردوس/تون، تاریخ و جغرافیا (با همکاری خدیجه بوزرجمهری)، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس. (تألیف)

- چون سبوی تشنه: ادبیات معاصر فارسی، تهران: انتشارات جامی. (چاپ پنجم؛ ۱۳۷۸) (تألیف)  
 پاز، زادگاه فردوسی، مشهد: انتشارات پاز. (به کوشش)
- تاریخ بیهقی، ابوالفضل بیهقی، به تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی  
 مشهد. (مقدمه و فهرست لغات) ۱۳۷۵
- جویبار لحظه‌ها: ادبیات معاصر فارسی، تهران: انتشارات جامی. (چاپ چهاردهم؛ ۱۳۹۴) (تألیف)  
 از جیحون تا وخش: گزارش سفر به مأموراء‌الله، (با همکاری مهدی سیدی)، مشهد: مرکز  
 خراسان‌شناسی. (چاپ دوم؛ ۱۳۹۱) (تألیف) ۱۳۷۸
- فرهنگ نام‌آوران خراسان، مشهد: بهنشر. (تألیف) ۱۳۸۲
- سخن آشنا، یادنامه بدیع‌الزمان فروزانفر، شیراز: انتشارات داستان‌سرا. (گردآوری) ۱۳۸۳
- تاریخ بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، مشهد: انتشارات  
 دانشگاه فردوسی مشهد. (به اهتمام) ۱۳۸۴
- پرگیان خیال: ارج‌نامه محمد قهرمان، (با همکاری دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی)، مشهد:  
 دانشگاه فردوسی، انجمن مفاخر استان. (گردآوری) ۱۳۸۶
- فرهنگ اساطیر و داستان‌وارهای در ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ معاصر. (چاپ پنجم؛ ۱۳۹۴)  
 (تألیف) (كتاب برگزیده دومین جشنواره فارابی؛ ۱۳۸۷) ۱۳۸۶
- یادنامه ابوالفضل بیهقی: مجموعه سخنرانی‌های مجلس بزرگداشت ابوالفضل بیهقی، با تجدید نظر،  
 حروف چینی جدید، مقدمه، نمایه و ترجمه مقالات انگلیسی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی  
 مشهد. (چاپ دوم؛ ۱۳۸۸) (به کوشش) ۱۳۸۷
- ارج‌نامه غلامحسین یوسفی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتب. (تألیف)  
 از پاز تا دروازه رزان: جستارهایی در زندگی و اندیشه فردوسی، تهران: انتشارات سخن. (تألیف)  
 (كتاب برگزیده انجمن قلم، برنده لوح قلم زرین؛ ۱۴ تیر ۱۳۹۴) ۱۳۸۸
- زین دایرۀ مینا: گشت‌وگذارهای علمی و فرهنگی، تهران: انتشارات سخن. (تألیف)  
 تاریخ بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، مقدمه، تصحیح، تعلیقات، توضیحات و فهرست‌ها  
 (با همکاری مهدی سیدی)، ۲ جلد، تهران: انتشارات سخن. (تصحیح) (كتاب فصل جمهوری  
 اسلامی ایران؛ اول تیر ۱۳۸۹؛ (كتاب برگزیده چهارمین جشنواره فارابی؛ اول آبان ۱۳۸۹)؛  
 (كتاب سال جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۰ بهمن ۱۳۸۹) ۱۳۸۹
- چون من در این دیار: جشن‌نامه دکتر رضا انزاری نژاد، (با دکتر محمدرضا راشد محصل و دکتر  
 سلمان ساكت)، تهران: انتشارات سخن. (به کوشش) ۱۳۸۹

- روضه‌های رضوانی؛ دفتر شعرهای آزاد ابوالفضل بیهقی، تهران: انتشارات سخن، (گزینش و پاره‌بندی)
- دیباچی زریفت: گزیده تاریخ بیهقی، (با همکاری مهدی سیدی)، تهران: انتشارات سخن، (انتخاب و توضیح)
- اخلاق علائی، هبة‌الله شاه میر، (با همکاری دکتر سلمان ساكت)، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، (مقدمه، تصحیح، تعلیقات و نمایه)
- تاریخ ادبیات ایران، تهران: سمت، (تألیف)
- ۱۳۹۰ - دیباچی دیداری، مقدمه، توضیحات و شرح مشکلات، (با همکاری مهدی سیدی)، تهران: سخن، (تصحیح و تعلیق)
- می‌تگریم و می‌دویم، اقبال لاهوری منادی وحدت اسلامی؛ مقالات استادان دانشگاه فردوسی درباره اقبال لاهوری، (با دکتر سلمان ساكت)، تهران: سخن، (گردآوری)
- ۱۳۹۱ - خرد بر سر جان؛ نامگانه دکتر احمد علی رجائی بخارائی، (با دکتر محمد رضا راشد محصل و دکتر سلمان ساكت)، تهران: انتشارات سخن.
- آموزش پزشکی براساس شاهنامه: نیک‌آموز پزشکی، (با دکتر رضا افشاری)، مشهد: دانشگاه علوم پزشکی مشهد.
- ۱۳۹۲ - آینه‌بقا: جشن‌نامه استاد علی باقرزاده، (با همکاری دکتر محمد رضا راشد محصل و محمود رضا آرمین)، مشهد: آهنگ قلم/ فرهنگ‌سرای فردوسی، (گردآوری)
- مجموعه مقالات همایش هزاره شاهنامه، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، (گردآوری)
- بدین شیرین سخن‌گفتن: گزیده غزل‌های سعدی، (با دکتر غلام‌حسین یوسفی)، تهران: سخن.
- از چنین حکایت‌ها: گزیده تاریخ بیهقی، تهران: معین.
- ۱۳۹۳ - نام‌آوران طوس، (با همکاری مهدی سیدی)، مشهد: آهنگ قلم،
- دانش و آزادگی؛ ارجمنامه استاد دکتر محمد رضا راشد محصل، (با دکتر سلمان ساكت و دکتر آرش اکبری مفاخر)، تهران: سخن.
- ۱۳۹۴ - زیر‌این نخل بلند: جستارهایی در مخاطب‌شناسی شاهنامه، تهران: سخن/ قطب علمی فردوسی و شاهنامه.
- چنین گفت دهقان: کوتاه‌شده شاهنامه فردوسی، گرینش و گزارش، مشهد: بهنشر.

- ۱۳۹۵ دیباچه پنجم شاهنامه، اثر: حمزه بن محمد خان هرندي اصفهاني، تصحیح، مقدمه و توضیحات  
 (با همکاری محسن حسینی وردنجانی)، تهران: سخن/قطب علمي فردوسی و شاهنامه.  
 - شاهنامه و شعر زمان فردوسی؛ بحثی تحلیلی در محتویات شاهنامه و زمینه پیدایی آن، اثر:  
 پروفسور خدایی شریفزاده، [زیر نظر] مشهد: بهنشر/قطب علمي فردوسی و شاهنامه.
- ترجمة آثار به زبان‌های دیگر (۴ مورد)
- ۲۰۰۵ تاریخ الادب الفارسیه المعاصر، ترجمه: الدکتوره ندی حسون، جامعه دمشق: منشورات وزارة الثقافة  
 في الجمهورية العربية السورية.
- ۲۰۱۳ ترجمه آلبانیایی کلیات تاریخ ادبیات فارسی.
- ۲۰۱۴ برگردان سریلیک (تاجیکی) کتاب فرنگ اساطیر و داستان‌وارهای در ادبیات فارسی،  
 برگردان کننده: رستم وهاب، دوشنبه: انتشارات کتابخانه ملی تاجیکستان.
- ۲۰۱۷ ترجمه ایتالیایی جوبیار لحظه‌ها.
- ۲۰۱۸ ترجمه زبانی کلیات تاریخ ادبیات فارسی
- ب) مقاله‌های علمی - پژوهشی (۵۹ مورد)
- ۱۳۵۳ «مرواریدهای در صدف: ترجمه‌ای از سوره اعراف»، خرد و کوشش (۱۳)، نامه ادبیات و علوم  
 اجتماعی، دوره چهارم، دفتر چهارم، دانشگاه شیراز.
- «عرفان و قرآن»، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، شماره یازدهم.
- ۱۳۵۴ «نیشخند حافظ شیراز»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال یازدهم،  
 شماره ۲.
- ۱۳۵۵ «سطوره در شعر امروز ایران»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال  
 دوازدهم، شماره ۴.
- ۱۳۵۶ «در آفاق ادبیات کودکانه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال سیزدهم  
 شماره ۴.
- ۱۳۵۷ «زمان، مکان و ماده در دیوان ناصر خسرو»، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، شماره  
 ۲۶ و ۲۷.
- «در قلمرو ایزد بهرام»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال چهاردهم،  
 شماره ۳.

- «قلیم هشتم خوزستان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال چهاردهم، شماره ۴.
- ۱۳۵۹ «از چندین هنر حافظ»، فرخنده پیام؛ یادگارنامه استاد دکتر غلامحسین یوسفی، مشهد، دانشگاه فردوسی، صص ۷۱۹-۶۷۰.
- ۱۳۶۱ «مقدمهای بر متون تفسیری فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال پانزدهم، شماره ۱ و ۲.
- ۱۳۶۴ «کهن‌ترین تفسیر شیعه به زبان فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال هجدهم، شماره ۲، صص ۲۴۳-۲۶۴.
- «نفوذ مولانا جلال الدین در قلمرو فرهنگ اسلامی» (ترجمه، از آن‌ماری شیمل)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال هجدهم، شماره ۲، صص ۴۰۹-۴۴۴.
- ۱۳۶۶ «درباره داستان کوتاه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال بیستم، شماره ۱ و ۲، صص ۳۹۳-۴۱۰.
- «دیدار پکن» (ضمیمه)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال بیستم، شماره ۳، صص ۶۸۱-۶۸۲.
- ۱۳۶۷ «قلم آفریننده»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال بیستویکم، شماره ۱.
- «لله حافظ»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال بیستویکم، شماره ۲.
- ۱۳۶۸ «داستان اردشیر، حماسه یا تاریخ؟»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال بیستودوم، شماره ۳ و ۴.
- ۱۳۶۹ «از دیده تحقیق»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال بیستوسوم، شماره ۳ و ۴.
- ۱۳۷۰ «ادبیات قهوه‌خانه‌ای در اصفهان عصر صفوی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال بیستوچهارم، شماره ۳.
- ۱۳۷۱ «بر دست راست»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال بیستوپنجم، شماره ۱ و ۲.
- ۱۳۷۷ «رمشناسی می‌باید»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال سی‌ویکم، شماره ۳ و ۴.
- ۱۳۸۵ «سبک‌سنگی»، (با علی ایزانلو)، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت‌علمی، تهران، صص ۱۵۱-۱۹۰.

- ۱۳۸۶ «قد جناس لاحق» پژوهش‌های ادبی، شماره ۱۴ (با همکاری غلام‌عباس سعیدی)،  
صفحه ۱۴۳-۱۵۸.
- ۱۳۸۷ «قد اساطیری شخصیت جمشید از منظر اوستا و شاهنامه» (با همکاری فرزاد قائمی)، نشریه  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، (پیاپی ۸۱)، صص  
۲۷۵-۳۰۵.
- ۱۳۸۷ «فروغی و فردوسی»، (با زهرا سید یزدی)، گوهر گویا، شماره ۲، صص ۴۷-۶۶.
- ۱۳۸۷ «سفنجقانیه؛ واژه‌ای فارسی در لسان‌العرب» (با شهباز محسنی)، مجله دانشکده ادبیات و علوم  
انسانی دانشگاه فردوسی (پیاپی ۱۵۹)، صص ۱-۱۱.
- ۱۳۸۷ «زمینه‌های اجتماعی فروپاشی حکومت ساسانی»، (با فرامرز آدینه)، زبان و ادبیات فارسی (۷)،  
مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، تهران، صص ۱۵۵-۱۷۶.
- ۱۳۸۷ «طليعه شعر زهد در زبان فارسی»، (با مهدی پرهام)، نامه فرهنگستان (۳۸)، صص ۲۵-۴۳.
- ۱۳۸۷ «تلخدهای فلسفی شاهنامه»، (با فهیمه حاجی‌پور)، مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده  
ادبیات و علوم انسانی، شماره ۱۶۳، صص ۲۰۷-۲۲۲.
- ۱۳۸۷ «امپرسیونیسم در شعر سهراب سپهری»، (با شمسی پارسا)، علوم انسانی دانشگاه الزهرا، ویژه‌نامه  
ادبیات، سال هجدهم، شماره ۷۴، صص ۲۲۷-۲۴۶ (این شماره در تابستان ۱۳۸۹ منتشر شده است).
- ۱۳۸۸ «شخصیت‌شناسی شغاف در شاهنامه»، (با احسان قبول)، جستارهای ادبی، صص ۶۷-۸۱.
- ۱۳۸۸ «تحلیل نقش نمادین اسطوره آب و...» (با فرزاد قائمی و ابوالقاسم قوام)، جستارهای ادبی، شماره  
۴۳-۴۷، صص ۴۷-۵۸.
- ۱۳۸۸ «تحلیل نماد غار در هفت‌پیکر نظامی»، (با سمیرا بامشکی)، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی،  
دوره جدید، شماره ۴، صص ۴۳-۵۸.
- ۱۳۸۸ «اسب؛ پُر تکرارترین نمادینه جانوری در شاهنامه»، (با فرزاد قائمی)، زبان و ادب پارسی، شماره  
۹-۲۶، صص ۴۲-۴۲.
- ۱۳۸۹ «تحلیل نمادینگی عناصر خاک و باد در اساطیر و شاهنامه فردوسی بر اساس نقد اسطوره‌ای» (با  
فرزاد قائمی و مهدخت پور خالقی)، ادب‌پژوهی، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۵۷-۸۲.
- ۱۳۸۹ «آرایش سپاه و فنون رزمی در دوره ساسانی و بارتاب آن در شاهنامه فردوسی» (با سلمان  
ساکت)، کاوش‌نامه، زبان و ادبیات فارسی، سال یازدهم، شماره ۲۰، صص ۹-۲۲.

- ۱۳۹۱ «دو جای نام ناشناخته در شاهنامه»، جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق) (۱۷۹)، سال چهل و پنجم، شماره ۳، صص ۱۷-۱.
- ۱۳۹۱ «تأثیرپذیری ملکالشعراء بهار از فردوسی»، (با هاشم صادقی محسن آباد)، بوستان ادب، پیاپی ۸۶-۶۸/۱
- ۱۳۹۱ «دو جای نام ناشناخته در شاهنامه»، جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق) (۱۷۹)، سال چهل و پنجم، شماره ۲، صص ۲۴-۱.
- ۱۳۹۰ «آسیبشناسی مقالات حوزه فردوسی و شاهنامه در دهه هفتاد»، (با مرضیه خافی، مهدخت پورخالقی و محمد تقی)، جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق)، سال چهل و پنجم، شماره ۲، صص ۱۷-۲.
- ۱۳۹۰ «سیمای شهرها و کلرید آینی آها در ایران باستان (برمبانی شاهنامه فردوسی)»، (با فرزانه علویزاده)، جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق) (۱۷۵)، سال چهل و چهارم، شماره ۴، صص ۱-۳۳.
- ۱۳۹۰ «آسیبشناسی تطبیقی داستان رستم و اسفندیار در نهایه‌الارب و شاهنامه»، (با سید حسین فاطمی، مهدخت پورخالقی و رقیه شیبانی‌فر)، جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق) (۱۷۳)، سال چهل و چهارم، شماره ۲، صص ۱-۳۲.
- ۱۳۹۰ «نماد و خاستگاه آن در شعر نیما یوشیج»، (با احمد سنجولی)، پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهرگوی)، سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۱۸).
- ۱۳۹۰ «عربیات تاریخ بیهقی»، الدراسات الادبیة، شماره پیاپی ۷۰، ۷۱، ۷۲، الجامعه اللبنانيّة.
- ۱۳۹۰ ««بیانات نویافت منسوب به سنایی»، (با محبوبه علی‌حوری)، جستارهای ادبی (۱۷۰)، (ادبیات و علوم انسانی سابق)، سال چهل و سوم، شماره ۳، صص ۱-۲۶.
- ۱۳۹۰ «تحلیل روابط شخصیت‌ها در منظومة لیلی و مجنون نظامی»، (با مریم ذیر)، ادب، پیاپی ۵۹/۱ صص ۸۹-۶۵.
- ۱۳۹۰ «نسجام متنی در غزلیات سعدی و بیدل دهلوی: بررسی و مقایسه ده غزل بیدل»، (با محمددهادی فلاحتی)، نشریه ادب و زبان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره ۲۷ (پیاپی ۳۴)، صص ۳۲۷-۳۴۶.
- ۱۳۹۰ «تأثیر صور خیال ادبی بر نگارگری مکتب شیراز»، (با فاطمه ماهون)، بوستان ادب، تابستان، پیاپی ۵۸/۱ صص ۱۶۱-۱۸۴.

- «مخاطب‌شناسی سنایی در آثار منثور قرن ششم تا دهم» (با محبوه علی‌حوری و مهدی زرقانی)، پژوهش‌های عرفانی (گوهر‌گویا)، سال ۶ شماره ۳ (پیاپی ۲۳).
- ۱۳۹۲ «بررسی تأثیر شاهنامه بر امثال فارسی بر پایه امثال و حکم دهخدا»، (با عباس واعظزاده)، جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق) (۱۸۱)، سال چهل و ششم، شماره ۲، صص ۲۸۱-۲۸۴.
- «تاریخ ادبیات در تاریخ (مطالعه موردی: منابع تاریخی قرن دهم)»، (با سید مهدی زرقانی و هادی بیدکی)، کهن‌نامه ادب پارسی: فصلنامه علمی - پژوهشی، سال چهارم، شماره ۲، صص ۵۹-۶۳.
- «لنزالی نژاد و زبان فارسی»، فرهنگ‌نویسی، ویژه‌نامه فرهنگستان، جلد ۷، ۲۶۷-۲۷۲.
- ۱۳۹۳ «بررسی متن نامه مسعود غزنوی به ارسلان خان در تاریخ بیهقی با روش تحلیل گفتمان انتقادی»، (با محدثه قدسی)، جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق) (۱۸۴)، سال چهل و هفتم، شماره ۱، صص ۷۱-۲۰.
- ۱۳۹۴ «بررسی نمادهای تصویری فرّ با تأکید بر نگاره‌های شاهنامه»، (با فاطمه ماموان و فرزاد قائمی)، پژوهشنامه ادب حماسی، صص ۱۱۹-۱۵۷.
- ۱۳۹۵ «الگوی زندگی پهلوان ایرانی؛ همراه با نقدی بر الگوهای قهرمانی»، (با لیلا حق‌پرست)، فرهنگ و ادبیات عامه، شماره ۱۰، صص ۱-۳۲.
- «بررسی میزان رشد تفکر انتقادی دانشجویان زبان و ادبیات فارسی»، (با احسان قبول و اشرف محمد یاری)، نقد ادبی، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۱۷۷-۲۰۵.
- «تداوی اندیشه ایرانشهری در مخزن الاسرار نظامی»، (با مریم وافی ثانی و خدابی شریف)، جستارهای ادبی (۱۹۲)، (ادبیات و علوم انسانی سابق) سال چهل و نهم، شماره ۱، صص ۷۹-۱۰۶.
- «ساختار اسطوره‌ای نخستین نیرد پهلوان هندوارانی»، (با لیلا حق‌پرست)، میریم صالحی‌نیا و فرزاد قائمی)، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۴۰، صص ۲۱-۵۰.
- ۱۳۹۶ «جایگاه شاهنامه نزد مردم دهه ثصت خورشیدی»، (با نغمه دادور)، فرهنگ و ادبیات عامه، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۷۱-۹۴.

### ج) مقالات به زبان‌های دیگر در نشریات خارجی (۸ مورد)

- 1999 "Women and Literature in Modern Iran: An Historical Overview", *Proceedings of the Third European Conference of Iranian Studies*, Held in Cambridge, 11th to 15 September 1995, Part 2, Ed. Charles Melville, Wiesbaden.
- 2003 "A Typical Persian Poet", Thai Translation of Rubaiyat Omar khayam.
- "An Introduction to Early Persian Qur'anic Translation", *Journal of Qur'anic Studies*, N0 3, II Vol, London.
- 2004 "Persian in Sayyed Ajal Omar Shamsal-Din's Era, in China.

- 2006 "Über die Konferenz zu hren ‚Attar Neysaburis‘", IRANISTIK, Jan. Heft2, Herdsi Winter 2005 – 2006, pp 131- 136.
- 2007 "Development of Koranic Commentaries in Early New Persian", *Religious Texts in Iranian Languages* Copenhagen, pp 247- 261.
- 2011 "Children as the main theme in Saâhnâmeh", e-Journal of New World Sciences Academy, Volume: 6, Number: 1.
- 2017 "A Study in Verses used in Persian translation of Thousand and one Nights" Proceedings of the conference (Under print)

### عضویت در فرهنگستان‌ها و قطب‌های علمی

- ۱۳۸۱ مدیر قطب علمی فردوسی‌شناسی و ادبیات خراسان دانشگاه فردوسی و کوشش برای اعتلای این قطب در سطح کشور.
- ۱۳۸۴ مدیر و مؤسس مؤسسهٔ فرهنگی فرهنگ‌سرای فردوسی (سازمان مردم‌نهاد = NGO).
- ۱۳۸۷ مدیر و مؤسس مرکز مطالعات فرهنگی - اجتماعی آسیای مرکزی دانشگاه فردوسی.
- ۱۳۸۸ عضویت در فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۱۳۸۹ عضویت در آکادمی علوم، هنر و فرهنگ خجند (تاجیکستان).

### سمت‌های علمی (۳۳ مورد)

- ۱۳۷۱ عضو هیئت امنای انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان.
- ۱۳۷۲-۷۵ معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی.
- ۱۳۷۳ عضو اصلی انجمن میراث فرهنگی توس (دوستداران فردوسی).
- ۱۳۷۵ مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره مرکز خراسان‌شناسی وابسته به آستان قدس رضوی تا ۱۳۷۸.
- ۱۳۸۲ عضو شورای برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ۱۳۸۲ عضو کمیتهٔ تخصصی زبان و ادبیات فارسی گروه علوم انسانی دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ۱۳۸۵ عضو شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی کشور.
- ۱۳۸۵ عضو کمیتهٔ علمی دبیرخانهٔ ستاد گسترش زبان فارسی و ایران‌شناسی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ۱۳۸۵ عضو کمیتهٔ علمی ستاد گسترش زبان فارسی و ایران‌شناسی در خارج از کشور.
- ۱۳۸۸ عضو پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۱۳۸۹ عضو شورای علمی دانشنامهٔ فرهنگ مردم ایران.
- ۱۳۸۹ نمایندهٔ فرهنگستان در شورای برنامه‌ریزی و تألیف گروه زبان و ادبیات فارسی سازمان پژوهش و آموزش وزارت آموزش و پرورش.

- 
- ۱۳۹۱ عضو شورای علمی دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبهقاره (فرهنگستان زبان و ادب فارسی).
  - ۱۳۹۲ عضو شورای علمی بنیاد سعدی.
  - ۱۳۹۳ نماینده فرهنگستان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

### دیگر فعالیت‌ها

دکتر یاحقی در ۶۵ کنفرانس داخلی و بین‌المللی مقاله ارائه کرده و در بیش از ۵۰ همایش حضور یافته است. در کنار ۵۵ مقاله پژوهشی دانشگاهی، بالغ بر ۱۵۲ مقاله علمی تربیجی و ۳۷ مقاله دانشنامه‌ای در مجلات و دانشنامه‌های معتبر ایران به چاپ رسانده است. در کارنامه علمی ایشان، دریافت ۱۹ جایزه و نشان معتبر ثبت شده است.

## حماسه و شاهنامه

- » مقایسه خانهای پهلوانان<sup>\*</sup> با اشاره به رستم، اسفندیار،  
گرشاسب و هرکول
- » درباره نام مشوق اسدی در نظام گرشاسب‌نامه
- » نگاهی تازه به برخی بیت‌های داستان رستم و سهراب
- » «زین» و «ابر» درباره یک باور عامیانه کهن در شاهنامه
- » مأوای سیمرغ؟
- » افسانه‌های پهلوانی خاندان رستم در ادب عاته
- » روایتی کهن از داستان سهراب و گردآفرید
- » رستم و نیزه‌دارانش
- » رستم؛ معماهی پیچیده رویکردی در شناخت شخصیت‌های شاهنامه فردوسی
- » شعر و شمشیر<sup>\*</sup> بررسی افزارنگاشتهای محفوظ در چند موزه ایران و جهان
- » اهمیت تاریخ‌نگاری پادشاهی اتوشیروان در شاهنامه و غرالسیر

## مقایسه خانهای پهلوانان\*

### با اشاره به رستم، اسفندیار، گرشاسب و هرکول

با آرزوی روزهای کامیابی و شادکامی برای دکتر باحقی عزیز، استاد دانشمند خستگی ناپذیر

دکتر ژاله آموزگار  
فرهنگستان زبان و ادب فارسی - تهران

مراحل پهلوانی در شاهنامه معمولاً با رقم هفت عجین شده است: هفت خان رستم، هفت خان اسفندیار، هفت گردان و غیره. گرچه فرهنگ ایرانی با سنت دوازده نیز بیگانه نیست، چنان‌که در شاهنامه ما با دوازده یا یازده رخ نیز آشنا هستیم که شرح نبرد تن‌به تن پهلوان ایرانی با گردان توران است. ولی تأنجاکه به یاد دارم، در شاهنامه و در سنت ایرانی رقم دوازده کمتر برای مراحل پهلوانی به کار رفته است، اما در یونان، هرکول و دوازده خانش از شهرتی جهانی برخوردار است.

در ایران ما با مراحل صعود، در پایه‌های هفت‌گانه، در سنت‌های ادبی، حملسی، عرفانی، دینی و فرهنگی آشناشی بیشتری داریم.<sup>۱</sup> مراحلی که گاهی خانی را پخته می‌کنند پهلوانی را به هدف غایی می‌رسانند، تشریف‌یافته‌ای را پلمه‌بلا می‌برد، چنان‌که در هفت مرحله عرفان از طلب آغاز می‌کنیم و پس از طی مراحل عشق، معرفت، استغنا، توحید و حیرت به فنا می‌رسیم.

در هفت مرحله فتوت از وا شروع می‌کنیم، صدق، امن، سخا، تواضع، فضیلت را پشت سر می‌گذاریم و به هدایت می‌رسیم.

در آئین مزدیسنایی باید هفت آسمان را در نور دیدیم تا به گرو تمان یا گزمان، آخرین درجه بهشت برسیم، تشریف‌یافتنگان در آئین مهر، هفت مرحله در پیش دارند و در آئین مانوی هرمزدیغ، انسان نخستین، هفت بار بانگ می‌زند و مهرانزد هفت بار به او پاسخ می‌دهد تا جای او در دنیای تاریکی بافت شود. نمونه‌ها فراوان‌اند.

\* بخشی از این مقاله در تاریخ ۹۲/۲/۲۴ در همایش فردوسی مشهد ارائه شده است.

۱. برای اطلاعات بیشتر در این مورد نک: دکتر محمد معین «شماره هفت و هفت‌پیکر نظامی»، مجموعه مقالات، جلد اول، صص ۲۵۳ - ۳۳۴.

در شاهنامه دو شخصیت ارزنه، رستم و اسفندیار، هر کدام هفت خانی را پشت سر می‌گذارند تا سرانجام به هدف نهایی خود برسند، اما در این دو داستان هدفها و انجیزه‌ها متفاوت‌اند.

برای ورود به بحث مقایسه‌ها ضروری به نظر می‌آید که به شرح مختصراً از خان‌ها پرداخته شود.

هفت خان رستم زمانی شکل می‌گیرد<sup>۱</sup> که کاووس با وجود پندهای حکیمانه و بازدارنده زال و دیگر بزرگان خود کامگی می‌کند، راه مازندران پیش می‌گیرد و به آن سرزمین دست‌بازی می‌کند. شاه مازندران دست به دامان دیو سفید می‌شود. او به جادو، چشم کاووس و سپاهیانش را تیره و تار می‌کند و بر همه گنج‌ها دست می‌باشد و سپاهیان به اسارت گرفته می‌شوند. خبر به زال می‌رسد و او برای پرهیز از بدنامی، راز را نهان می‌دارد و برای رهابی آن‌ها رستم را گسیل می‌کند. رستم برای رسیدن به مقصد دو راه در پیش دارد: راهی طولانی و کم خطر که کیکاووس پیموده است و راهی کوتاه‌تر اما بسیار دشوار که در مسیر آن، شیر و اژدها و دیو و جادو در کمین هستند. رستم راه کوتاه، ولی پر خطر را بر می‌گزیند که چهارده‌تاره منزل دارد و این چهارده منزل را در هفت مرحله طی می‌کند. باز شفیق او در این مراحل رخش است؛ بارهای که همچون دیگر بارگان نیست، از میان همه اسب‌های ایران زمین، تنها او توائسته است به رستم سواری دهد. رستم و رخش با هم هفت خان را آغاز می‌کنند.

در خان نخست رستم در نیستان از خستگی راه می‌آساید، بی‌خبر از اینکه آن نیستان بیشه شیری است درنده ... شیر سر می‌رسد، قصد رستم می‌کند و رخش با دلاوری او را از پای درمی‌آورد.

در خان دوم رستم به بیانی گرم و سوزن می‌رسد، تشنجی بر او و بارهاش غالب می‌شود، ولی به هدایت میشی که آیتی از ایزدان است به چشم‌های گوارا دست پیدا می‌کند.

در خان سوم اژدهایی بر سر راه او قرار می‌گیرد که از کامش آتش می‌جهد، آشکار و پنهان می‌شود. دسترسی به او سخت دشوار است، ولی رستم با یاری رخش او را از پای درمی‌آورد.

در خان چهارم جادوزنی در هیئت دوشیزه‌ای زیبا بر او نمایان می‌شود و قصد فربیض او را دارد. چون نام یزدان بر زبان رستم جاری می‌شود، چهره واقعی و جادوبی او نمودار می‌گردد. رستم این جادوزن را با شمشیر به دونیم می‌کند.

در خان پنجم در دشتی سبز و خرم، رستم در حال آسودن و رخش به چرا مشغول است. دشتیان سر می‌رسد و به رستم عتاب می‌کند، رستم تعرّض او را برنمی‌تابد و با کندين دو گوش او جسارت‌ش را کیفر می‌دهد. دشتیان شکایت به اولاد سالار آن سالمان می‌برد و او با سپاهیانش به مقابله رستم می‌آید، و اما آن‌ها در برابر زور بازوی او دوام نمی‌آورند و تارومار می‌شوند. رستم اولاد را به بند می‌کشد، ولی به او پیشنهاد می‌کند اگر در این سفر پُرنشیب و فراز رهنمونش باشد و محل دیو سفید و جایگاه کیکاووس و سپاهیانش را به او نشان دهد، فرمانروایی مازندران را خواهد داشت. اولاد این شرط را می‌پذیرد و از این پس همراه و راهنمای رستم است.

در خان ششم رستم با اژنگدیو که کیکاووس و همراهانش به حیله او به بند کشیده شده‌اند، نبرد می‌کند تا سرانجام به جایگاه کیکاووس و همراهانش می‌رسد و آنان را از بند آزاد می‌کند، اما چشمان آن‌ها همچنان تیره‌وتار است و درمان آن جگر دیو سفید است.

در خان هفتم رستم با راهنمای اولاد به رویارویی دیو سفید می‌رسد. در مبارزه‌ای سخت او را بر زمین می‌کوبد، جگرش را بیرون می‌کشد که توییای چشمان کاووس و همراهانش است. بینایی به آنان باز می‌گردد، اولاد به شاهی مازندران می‌رسد و رستم کیکاووس را با عتابی جانانه سرزنش می‌کند و سپاهیان با پیروزی به ایران‌زمین باز می‌گردند.

\*

اسفندیار هم هفت خانی را درمی‌نوردد<sup>۱</sup>، اما او در روایات شاهنامه بیش از آنکه پهلوان باشد، شاهزاده است و به نظر من زیاده‌خواه! او این هفت خان را به فرمان گشتاسب برای نجات خواهانش، هما و به‌آفریده طی می‌کند؛ زیرا ارجاسب تورانی آن‌ها را ربوده و در روئین در، در توران به بند کشیده است. هدف غایی او برآوردن خواسته گشتاسب است و دستیابی زودهنگام به تاج و تخت.

از نظر ساختاری به رغم نظر شاهنامه پژوهان، هفت خان اسفندیار منظم‌تر و حدود خانهای آن مشخص‌تر از هفت خان رستم است.

اسفندیار هم گرگسار، پهلوان تورانی را که در بند است، آزاد می‌کند و او را به عنوان راهنما برمی‌گزیند.

در خان اول اسفندیار با گرگان غول آسا رویه‌رو می‌شود. در خان دوم دو شیر نر و ماده راه بر او می‌بندند، در خان سوم ازدهایی که از دم‌ش آتش بیرون می‌زنند و دندان‌هایش همچون کوهی از سنگ خاراست، در مسیرش قرار می‌گیرد. اسفندیار با ترفندی او را به دام می‌اندازد، بر مغز سروش می‌کوبد، زهری از آن بیرون می‌آید که اسفندیار را بی‌هوش می‌کند، ولی به رویین‌تنی اش می‌انجامد.

در خان چهارم در مسیر زن جادوگر زیبارویی قرار می‌گیرد که برایش دام گستردده است تا فریبیش دهد، او نیز از پای در می‌آید.

در خان پنجم با سیمرغ دست و پنجه نرم می‌کند. در خان ششم با برف و سرمای شدید رویه‌رو می‌شود، در خان هفتم دریابی ژرف راه را برو می‌بندد.

اسفندیار همه این رخدادهای ناگوار را پشت سر می‌گذارد، خواهان دریند را رهایی می‌بخشد و ارجاسب را از میان برمی‌دارد و تصور رسیدن زودهنگام به تاج و تخت ارضایش می‌کند. این دو روایت از شاهنامه، ساختاری همسان دارند و تقریباً همانند هستند، ولی هدف‌ها متفاوت است.

<sup>۱</sup>. شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، دفتر پنجم، ص ۲۲۱ به بعد.

هفت خان‌گونه‌ای را نیز می‌توانیم از دلاوری‌های گرشاسب، پهلوان متون دینی زردشتی نقل کنیم.<sup>۱</sup> گرشاسب ارتباط تنگاتنگی با رستم دارد. گرز رستم به قولی همان گرز گرشاسب است و از این راه «مانا»<sup>۲</sup> گرشاسب در وجود رستم جای گرفته است. اعمال قهرمانی گرشاسب از لحاظ دلاوری‌ها، همسانی بیشتری با هرکول دارد که بعداً به آن می‌پردازیم و نحوه روایت نیز پیش‌شاهنامه‌ای است و با روایت‌های روایان یونان درمورد هرکول نزدیک‌تر است.

در هیچ‌کدام از روایت‌های اوستایی و پهلوی، سخنی از خان یا هفت خان به میان نمی‌آید. من سعی کرده‌ام با توجه به دلاوری‌های نقل شده در این منابع، هفت خانی را برای گرشاسب ترتیب دهم.<sup>۳</sup>

۱- دلاوری‌های گرشاسب با کشنن اژدهای شاخ دار آغاز می‌شود. گرشاسب به هنگام نیمروز، در ظرفی آهنین بر پشت اژدهای شاخ دار خوارک تهیه می‌کند، از گرمای ناشی از این عمل، اژدها را جامی جهد و آب جوشان را می‌پراکند و آتش خاموش می‌شود، گرشاسب هراسان می‌شتابد و با تلاش فراوان او را ز پای درمی‌آورد و در این نبرد، آتش از او آزرده می‌شود.

۲- گرشاسب در مرحله‌ای دیگر در کنار دریای فراخ کرد، گندرو زرین پاشنه را از پای درمی‌آورد؛ موجود سهمناکی که به یک بار دوازده ده را می‌بلعد. گرشاسب پوست او را تسر می‌کند، دست و پای او را می‌بندد، سر او را جدا می‌کند. گرشاسب چون به دهان او می‌نگرد، مرده‌ها را آویخته در دهان او می‌بیند.

۳- گرشاسب، سناویدز<sup>۴</sup> باهوش، حیله‌گر، شاخ دار و سنتگین دستی را که می‌خواست پس از بلوغ، گردونه خود را از آسمان درست کند که زمین چرخ آن باشد و اورمزد و اهریمن را به گردونه خود بینند، از پای درمی‌آورد.

۴- در مرحله چهارم گرشاسب راهزنای را که به تن چنان بزرگ بودند که چون راه می‌رفتند، مردمان می‌پنداشتند که آنان زیر ستاره و ماه و زیر دوش خورشید گام برمی‌دارند، از پای درآورد.

۵- او در مرحله پنجم باد را به ستوه درمی‌آورد که دیوان فربیش داده بودند و به او القا کرده بودند که از هر آفریده‌ای نیرومندتر است. او چنان می‌وژد که همه درختان سر راهش می‌شکستند و تاریکی بر همه جا گستردۀ می‌شد. گرشاسب او را مغلوب کرد و به فرمان اورمزد درآورد.

۱- روایت گرشاسب مبتنی بر مطلب یستا بنده‌ای ۱۰-۱۲، زمینه‌یست (یشت ۱۹) بنده‌ای ۴۵-۳۸ دیکرد نهم، فصل ۱۵ (چاپ مدن، صص ۸۰۳-۸۰۲)؛ روایات پهلوی چاپ دلار، ص ۶۵ به بعد و صد در تشریف صد در بندهش، صص ۹۲-۸۵.

۲- «مانا» به نیروی فراسوی و پنهان گفته می‌شود که در اشخاص، جلوان و اشیاء وجود دارد که به خودی خود دلایی فعالیت است و این ویزگی را دارد که می‌توان آن را از اشیای بی‌جان، به افراد جاندار یا از شخصی به شخص دیگر و یا از اشخاص به اشیای بی‌جان منتقل کرد (میرچا الیادم، رساله در تاریخ ادبیان ص ۳۸).

۳- نکه: آموزگار، زاله، «گرشاسب در پیشگاه اورمزد».

۴- سرکارانی، بهمن، «بازناسنی بقایای افسانه گرشاسب در منظومه‌های حماسی ایران»، ص ۲۵۳.

ع. گرشاسب مرغ گمک<sup>۱</sup> را از میان برمی‌دارد که پرهایش چنان بر بالای زمین گسترده شده بود که همه‌جا در تاریکی فرورفته بود و باران‌ها بر بال‌های او می‌باریدند و مجدتاً راهی دریا می‌شدند. همه‌چیز در معرض خرابی و نابودی بود، قحطی و خشکسالی انسان و دام و مرغان چشمها را نابود کرده بود. گرشاسب تیر و کمان می‌گیرد و هفت شب‌نهر روز برا او تیر می‌باراند، تا او را هلاک می‌کند و جهان را از شر او رهایی می‌دهد.

۷- در هفتمین مرحله، گرشاسب به دام فربت بُری ختنشی<sup>۲</sup> تی<sup>۳</sup> در کالیستان می‌افتد که رهایی نمی‌بلد و تیری از جانب نوهین به او می‌خورد و او تا پایان جهان بی‌حس و بی‌خبر می‌ماند، اما پیکرش محافظت می‌شود، چون اوست که در پایان جهان به‌هوش خواهد آمد تا خطاک را از میان بردارد.

\*

اما مراحل طی طریق هرکول یا هرالکلس<sup>۴</sup> :

هرکول یا هرالکلس نماد پهلوانی نیرومند و شکستناپذیر در اساطیر یونان و در فرهنگ غرب است.<sup>۵</sup> او ظاهراً فرزند آمفی‌تریون<sup>۶</sup> و آلممن<sup>۷</sup> است که هر دو نسب از پرسئوس دارند که یونانیان، ایرانیان و به‌خصوص شاهان خمامنشی را از اعقاب آنان می‌دانند.

هرکول نسب از خدایان دارد. در روایتها آمده است که زئوس خود را به شکل آمفی‌تریون در می‌آورد و با الکمن می‌آمیزد و نطفه هرکول بسته می‌شود. به‌دلیل چنین تباری، هرکول از نیروی خارق‌العاده‌ای برخوردار می‌شود. در شب تولد او زئوس در جمع خدایان اظهار می‌دارد که کودکی از خاندان پرسئوس<sup>۸</sup> به دنیا می‌آید که بر ناحیه تِب<sup>۹</sup> و آرگوس<sup>۱۰</sup> حکومت خواهد کرد که اشاره‌ای ضمنی به تولد هرکول است.

هرا<sup>۱۱</sup> که همیشه به فرزندان زئوس از دیگر ایزدبانوان و میرایان رشك می‌برد، از دخترش ایلی‌تی<sup>۱۲</sup> که ایزدبانوی زایمان است می‌خواهد تولد زئوس را عقب بیندازد و پسرعموی هرکول، اوریسته<sup>۱۳</sup> را که او نیز از خاندان پرسئوس بود، هفت‌ماهه به دنیا آورد تا به‌این ترتیب اوریسته حاکم مطلق‌العنان گردد و هرکول اجباراً در خدمت و گوش به‌فرمان او باشد. برای رهایی از این وضع و راضی نگاهداشتن اوریسته، هرکول باید سفرهای پُرخطری را طی کند و دوازده خانی را پشت سر بگذارد و همه‌این حوادث برآمده از حسابت هرا است.

1. Xnaθaiti

2. Hercule/ Heracles

۳. روایت دوازده مرحله هرکول بیشتر مبتنی بر منابع زیر است:

Hamilton. E., *La mythologie*, p. 191-206; Grygolieff, V., *Mythologie du monde entier* p.124-127 ; Commelin, P. *Mythologie grecque et romaine*, p.252 - 267 ;

شفا شجاع‌الدین، افسانه خدایان، صص ۱۵۸-۱۶۸

4. Amphitryon

5 . Alcméne

6. Perseus

7. Teb

8. Argos

9. Hera

10. Ilythyie

11. Eurysthée

به روایتی دیگر، هرا هرکول را به جنون مبتلا می‌کند، به حدتی که او زن و فرزندانش را می‌کشد و به کفاره آن، به سفارش غیب‌گوی معبد دلфи<sup>۱</sup> وادر می‌شود برای اوریسته خدماتی به جای آورد تا این گناه و گناهان دیگر تطهیر شود.

۱- در خان اول هرکول به فرمان اوریسته شیر عظیم الجثه‌ای به نام نیمه<sup>۲</sup> را از میان برمی‌دارد؛ شیری که انسان‌ها را می‌بلعد، رویین تن است و هیچ‌چیزی بر او اثر نمی‌کند. هرکول با او در می‌افتد، بر نیروی او پیروز می‌شود، خفهاش می‌کند، پوستش را می‌کند و از آن زرهی برای خود می‌سازد و جسدش را پیش اوریسته می‌برد.

۲- در خان دوم می‌پاید ازدهای دریابی و حشت‌ناکی را از میان بردارد که نه سر داشت و در مرداب لرن<sup>۳</sup> بود و هزارگاهی از دریا بیرون می‌آمد، با نفس زهرآگینش انسان‌ها و حیوان‌ها را می‌سوزاند و کسی را یارای مقابله با او نبود.

هرکول برای کشتن او با مشعل‌های مشتعل از مرداب بیرونش می‌کشد، ولی ضربات کمرشکن گرز هرکول بی‌نتیجه است، هر سری را که می‌زند از جایش دو سر دیگر می‌روید. هرکول جنگل‌های اطراف را آتش می‌زند و او در میان شعله‌های آتش می‌سوزد و پس از قطع آخرین سر او تیرهای ترکشش را با خون او زهرآگین می‌کند.

۳- در خان سوم به مصاف گراز اریمانت<sup>۴</sup> می‌رود که سالی یک بار از کوهستان آرکاری<sup>۵</sup> پایین می‌آمد و این سرزمین را ویران می‌کرد. او دندان‌های تیزی داشت، تند می‌دوید و کسی را یارای مقابله با او نبود. درمورد این گراز، شرط این بود که او را زنده پیش اوریسته ببرد. هرکول با تلاش فراوان موقق می‌شود او را به دام اندازد و پاهاش را بینند و نزد اوریسته ببرد. اوریسته از وحشت خود را در پستویی و به قولی در خمره‌ای پنهان می‌کند.

۴- در خان چهارم هرکول می‌پاید خفash‌های دریاچه استیمفال<sup>۶</sup> را که به پناهگاه این حیوانات غول‌پیکر تبدیل شده بود، از میان بردارد. آن‌ها بال‌ها و منقارها و چنگال‌های آهنینی داشتند. خوراکشان انسان بود و تعدادشان بی‌شمار. هرکول سنج‌هایی از پولاد می‌سازد آن‌ها را به صدا درمی‌آورد، خفash‌ها یک‌به‌یک بیرون می‌آیند و او با تیرهای زهرآگین آن‌ها را از میان برمی‌دارد.

۵- در خان پنجم می‌پاید غزالی را شکار کند که شاخ‌هایش از طلا و پنجه‌هایش از پولاد بود. هیچ شکارچی به گردش نمی‌رسید. هرکول یک سال به‌دلیل این حیوان می‌رود و سرانجام او را به دام می‌اندازد.

1. Delphi

2. Némée

3. Leme

4. Erymanthe

5. Arcadie

6. Estymphale

۶- در خان ششم می‌باید اصطبل کنیف او گیاس<sup>۱</sup> را که در آن دوازده گاو وحشی مخصوص به خدای خورشید در شرایط بسیار بد قرار داشتند، یک روزه پاک کند و زیالله‌های انباشته شده را که به همه آبادی‌های اطراف آسیب می‌رساند، از میان بردارد. چنین کاری از یک نفر و در یک روز ساخته نبود.

هرکول شکافی در دیوار اصطبل پدید می‌آورد و آب دو رودخانه را از آن عبور می‌دهد. این آبهای آنجا را می‌شویند و زائده‌ها را با خود می‌برند و اصطبل و حوالی آن از این آسودگی‌ها رهایی می‌یابد.

۷- در خان هفتم هرکول می‌باید گاو وحشی و دیوانهای را که جزیره کرت را به ویرانی کشانده بود، از میان بردارد. هرکول این وظیفه را نیز انجام می‌رساند.

۸- در خان هشتم هرکول فرمان دارد که اسب‌های انسان خوار دیومد<sup>۲</sup>، پسر مارس را که پادشاه تراکیه (تراس)<sup>۳</sup> بود، از میان بردارد. برای سیر کردن این اسب‌ها، مأموران هر روز عده‌ای را می‌کشند تا گوشتشان را به این اسب‌ها بدهند. هرکول با تعدادی داوطلب برای از میان بردن این اسب‌ها می‌شتابد. نگهبانان این اسب‌ها را می‌کشد و خود اسب‌ها را به تصرف درمی‌آورد. خبر به دیومد می‌رسد، او با گروهی به هرکول می‌تازد، ولی شکست می‌خورند. هرکول پیروز می‌شود و به روایتی او دیومد را که این اسبان را به خوردن گوشت آدمی عادت داده بود، پیش آن‌ها می‌افکند.

۹- در خان نهم اوریسته از او می‌خواهد کمربند هیپولیت<sup>۴</sup>، ملکه معروف آمازون‌ها را برای دخترش بیاورد. هرکول پیش می‌رود، با ملکه طرح دوستی می‌ریزد و او بدون هیچ مقاومتی حاضر می‌شود کمربند را بدهد، ولی حسادت‌ها باز دیگر حوالث را به گونه‌ای دیگر بر می‌گرداند و زد خورد درمی‌گیرد. هرکول تعدادی و ازان جمله را می‌کشد و کمربندش را به دست می‌آورد و به دختر اوریسته می‌رساند.

۱۰- در خان دهم هرکول می‌باید غول سه‌پایی را از میان بردارد که در سواحل غربی شب‌جزیره ایبری<sup>۵</sup> (اسپانیا و پرتغال کنونی) حکومت می‌کرد و گلهای از گاوها قرمزنگ داشت. غول سه‌پا محافظت از این گله را به شبانی و سگی دو سر واگذار کرده بود. آوازه این گاوها جهان آن روز را فراگرفته بود. اوریسته از هرکول می‌خواهد که آن گله گاوها را برای او بیاورد.

هرکول مسیر پر مخاطراتی را طی می‌کند و با رویدادهای شگفت‌زده روبرو می‌شود و سرانجام موقع می‌شود غول سه‌پا و محافظانش را بکشد و این گله گاو را به اوریسته برساند. اوریسته نیز برای ابراز حق شناسی به هرا برای همراهی‌های او و به خصوص در آزار رساندن به هرکول، همه گاوها را به معبد هرا نتقدیم می‌نماید و برای او قربانی می‌کند.

1. Augias

2. Diomède

3. Thrace

4. Hippolyta

5. Iberie